



صیانت از افراد اساس کار دستگاه‌های نظارتی

سیدابراهیم رئیسی، رئیس جمهوری در نشست شورای هماهنگی دستگاه‌های نظارتی با بیان اینکه نظارت، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر برای نظام اداری و تضمین‌کننده اجرای قانون، سلامت اداری و تداوم اعتماد به دست‌اندرکاران امور است، صیانت از اشخاص، پیشگیری از وقوع فساد و آسیب‌های اداری را یکی از وظایف بخش‌های نظارتی دانست و گفت: «دستگاه‌های نظارتی، اساس کار خود را بر صیانت از افراد و ساختارها در قالب مساعدت برای پیشبرد امور قرار دهند و مراقب باشند که نظارت‌های آن‌ها برای مدیریت‌ها مانع ایجاد نکرده و جرأت و جسارت را از مدیران نگیرند.» ایجاد ساختار و نظام‌مندشدن تبادل اطلاعات میان دستگاه‌های نظارتی و اهمیت هماهنگی در ارائه اخبار مصادیق مقابله با فساد و نه صرفاً اخبار قطعی نشده و غیردقیق از مفاصد نیز از دیگر تأکیدات رئیسی به اعضای شورای هماهنگی دستگاه‌های نظارتی بود.



کسی با شادی مردم مخالف نیست

سکینه سادات‌پاد، دستیار رئیس جمهور در پیگیری حقوق آزادی‌های اجتماعی در گفت‌وگو با جماران درباره برخورد با مراکز تفریحی به‌خاطر شادی و حجاب گفت: «اینها بسته شدند و خود من دیدم وزیر هم توثیق زده و اظهار ناراضی‌تی کرده است.» مردم ما شامل حجاب‌بان‌ها هم می‌شود و شامل کسانی هم می‌شود که حجاب ندارند؛ شامل همان کسانی هم می‌شود که معترض به وضع فعلی فرهنگی هستند و همان کسانی که به شدت دارند واکنش نشان می‌دهند نسبت به رفتارهایی که آنها می‌گویند امر به معروف و نهی از منکر است. ما باید بیشتر با هم گفت‌وگو کنیم.» وی در ادامه افزود: «مردم در خیلی‌ساحات واقعاً آزاد هستند ولی قبول دارم که بعضی جاها اعمال سلیقه‌های شخصی می‌شود ولی افراط و تفریط همیشه آسیب‌زننده است و حق اصلی این وسط گم می‌شود. من هم قائل هستم به اینکه ممکن است بعضی جاها باشد ولی به‌هیچ‌وجه کسی با شادی مردم مخالف نیست. اینکه چرا جامعه اصیل ایرانی و اسلامی ما یک مقدار تغییر کرده و نسل‌های بعدی ما متفاوت شده‌اند، بحث‌های مهم است که خودشان محل گفت‌وگوهای جدی هستند.»



آمریکا رسوا شد

یحیی صفوی، دستیار و مشاور عالی فرمانده کل قوا در همایش «نقش بسیج و قدرت دریایی جمهوری اسلامی ایران در دوران دفاع مقدس» گفت: «در جنگ غزه، رژیم کودک‌کش صهیونیستی بدون حمایت آمریکا حتی یک روز هم نمی‌توانست جنگ را ادامه دهد. آمریکایی‌هایی که حقوق بشرشان تمام عالم را پر کرده بود، دیدید که قطعنامه [آن‌تیس فوری] را وتو کردند.» وی در ادامه افزود: «شما شاهد مقاومت مردم مظلوم غزه در مقابل آمریکا و رژیم صهیونیستی هستید و دیدید که این جنگ، مدعیان دروغین حقوق بشر مانند آمریکا را رسوا کرد و نشان داد که آن‌ها در مقابل جنایات وحشیانه رژیم صهیونیستی، چشم بینا و گوش شنوا ندارند و حتی قطعنامه شورای امنیت را وتو می‌کنند.»

سال‌های مبارزه

حضور در حوزه علمیه: سال ۱۳۰۸، در حالی که هفت سال داشتند، آموختن سواد خواندن و نوشتن را آغاز کردند و در سال ۱۳۱۳ وارد حوزه علمیه اصفهان شدند. در این مقطع در کلاس بزرگانی مانند «حاج شیخ محمدحسن عالم نجف‌آبادی و سیدمهدی حجازی» شرکت می‌کنند تا اینکه در سال ۱۳۲۰، با رسیدن به ۱۹ سالگی راهی قم شده تا تحصیل را در این شهر دنبال کنند و در همان ابتدای حضور در قم و با انتقال به مدرسه فیضیه، با مرتضی مطهری که ۳ سال از خودش بزرگتر بود، آشنا می‌شوند. در این دوران بود که آن‌ها به صورت مشترک در کلاس‌های مهم اساتیدبنامی مانند آیت‌الله بروجردی، آیت‌الله روح‌الله خمینی، آیت‌الله سیدمحمد محقق داماد و آیت‌الله حجت تبریزی شرکت می‌کنند.

یادنامه

قیام ۱۵ خرداد و حرکت بزرگ: اولین رگه فعالیت جدی سیاسی از سوی ایشان را می‌توان پس از قیام پانزده خرداد ۱۳۴۲ مشاهده کرد. آیت‌الله منتظری در اعتراض به بازداشت آیت‌الله خمینی در مسجد جامع نجف‌آباد به مدت یک هفته تحصن می‌کند. در همان مقطع شنیده‌هایی وجود داشت مبنی بر اینکه قرار است آیت‌الله خمینی اعدام شوند، در نتیجه منتظری راهی تهران شده تا حرکت مهمی را برای پیشگیری از این موضوع انجام دهند. به‌دنبال این شایعات، آیت‌الله حسینعلی منتظری با تعداد دیگری از علما طرح مرجعیت آیت‌الله خمینی را پیگیری می‌کنند و فعالیت برای جمع‌آوری امضا برای اعلام مرجعیت آیت‌الله خمینی آغاز می‌شود؛ روندی که باعث می‌شود ایشان در روزی که برای گرفتن امضا به حرم عبدالعظیم رفته بودند، بازداشت شوند و مدت کوتاهی را در زندان باشند.

آغاز دوران تبعید: در فروردین ۱۳۴۵، محمد منتظری به علت پخش اعلامیه در حرم حضرت معصومه بازداشت می‌شود و پس از آن ساواک به سراغ آیت‌الله منتظری رفته و ایشان را هم بازداشت می‌کنند تا دومین دوره زندان برای او آغاز شود. پس از دومین دوره زندانی شدن، ایشان به‌دنبال آزادی راهی عراق می‌شود تا با آیت‌الله خمینی دیدار کند اما در بازگشت از عراق، در مرز دستگیر شده و برای سومین بار در عمرشان زندانی شده و این‌بار بیش از ۵ ماه در زندان می‌ماند. پس از ۵ ماه، حکم جدیدی برای ایشان صادر می‌شود و برای اولین بار حکم داده می‌شود که باید به تبعید برود. شهر مسجدسلیمان به‌عنوان تبعیدگاه معرفی شده و ۳ ماه در این شهر اقامت دارد تا دوره تبعید اول به پایان می‌رسد اما در پایان این دوره، به منتظری دستور داده می‌شود که حق حضور در قم را ندارد ولی ایشان بدون توجه به اخطارها، راهی قم می‌شود؛ موضوعی که با توجه به حجم بالای دیدارهایی که ایشان در قم برگزار می‌کنند، در نهایت منجر به این می‌شود که ساواک با مراقب‌های شدید او را به نجف‌آباد منتقل کند.

دومین تبعید: انتقال به نجف‌آباد هم نتوانست مسیر آیت‌الله منتظری را مسدود کند، فعالیت‌ها و سخنرانی‌ها ادامه پیدا کرد تا اینکه در سال ۱۳۴۷، بازداشت و برای سومین بار زندانی می‌شود و این‌بار به یک‌سال و نیم زندان محکوم می‌شود. پس از پایان دوره زندان، ایشان ابتدا به قم می‌رود اما باز هم حساسیت ساواک باعث می‌شود تا حکم جدیدی صادر شده و این‌بار به نجف‌آباد تبعید شود. سه سال تبعید در نجف‌آباد هم تأثیری در کاهش روند مبارزات و سخنرانی‌ها ندارد، به‌گونه‌ای که گزارش‌های ساواک آمده بود: «نماز جمعه منتظری یک پایگاه سیاسی برای مبارزه با رژیم است.» تبعید دامنه‌دار: پس از سه سال حضور در نجف‌آباد، حکم جدیدی برای ایشان صادر شده و قرار می‌شود که دوره جدید تبعید خود را در شهر طبرس سپری کند. در سال ۱۳۵۲ به طبرس منتقل می‌شود ولی در همین شهر هم فعالیت خود را ادامه می‌دهد. یک سال بعد تصمیم جدیدی برای منتظری گرفته می‌شود و او برای پنجمین بار در عمرش تبعید را تجربه می‌کند. این‌بار شهر خلخال به‌عنوان تبعیدگاه در سال ۱۳۵۳ مورد انتخاب واقع می‌شود اما تنها ۴ ماه در این شهر اقامت پیدا می‌کند و این‌بار شهر سقز تبعیدگاه جدید این مبارز می‌شود.

بازگشت به زندان و آزادی: تیر ۱۳۵۴ دوره تبعید در سقز با تصمیم ساواک به پایان می‌رسد اما پایان تبعید، آزادی را به همراه نداشت و ایشان به زندان اوین منتقل می‌شود، شش ماه در سلول انفرادی نگهداری می‌شود تا اینکه پس از ۶ماه حکم ۱۰ سال زندان برای منتظری صادر می‌شود. از ارتشبد نصیری نقل شده که در زندان اوین به منتظری گفته بود: «علت اینکه تو را از حوزه دور نگه می‌داریم و از این طرف به آن طرف می‌فرستیم این است که یک خمینی دیگر به وجود نیاید.» و سرانجام منتظری در ۸ آبان ۱۳۵۷ از زندان آزاد می‌شود. پس از آزادی از زندان آخرین فعالیت‌ها برای مبارزه با رژیم پیگیری می‌شود و ایشان سفری به فرانسه انجام می‌دهد تا آخرین هماهنگی‌ها با آیت‌الله خمینی انجام شود. در همان مقطع شورای انقلاب تشکیل می‌شود اما منتظری ابتدا حضور در شورا را نمی‌پذیرد تا اینکه پس از پیروزی انقلاب در ایران، با درخواست امام در جلسات شورا حضور پیدا می‌کند.

پیروزی انقلاب تا قائم‌مقامی

خبرگان قانون اساسی: پس از انقلاب، در تنها انتخابات عمر خود به‌عنوان کاندیدائیت‌نام کرده و با راهیابی به مجلس خبرگان قانون اساسی، ریاست این مجلس را برعهده می‌گیرد و تأثیرگذاری مهمی را در مسیر تدوین قانون اساسی ایفا می‌کند که بررسی این موضوع، نیازمند گزارش‌های جداگانه‌ای است اما برای مثال در این مسیر، می‌توان به دفاع آیت‌الله منتظری از اصل ولایت‌فقیه اشاره کرد. در پیش‌نویسی که قبل از تشکیل مجلس خبرگان قانون اساسی تهیه شده بود، اشاره‌ای به ولایت فقیه نمی‌شود اما ایشان با هماهنگی‌ای که با شهید بهشتی داشت، در خبرگان این موضوع را اعلام و از آن به این صورت دفاع می‌کند: «اکثریت قاطع ملت ایران، حتی جوان‌های درس‌خوانده و روشنفکر، طرفدار ولایت‌فقیه و حکومت اسلامی هستند. حکومت اگر بخواهد اسلامی باشد، باید به‌رهبری متکی باشد که از طرف خدا معرفی شده (ولو به واسطه). اگر تمام یک ملت به یک رئیس‌جمهور رای بدهد، ولی فقیه و مجتهد روی ریاست‌جمهوری او صحنه نگذارد، برای بنده هیچ ضمانت اجرایی ندارد و از آن حکومت‌های جائزانه می‌شود که بر طبق آن عمل نخواهم کرد.»

معرفی آیت‌الله خامنه‌ای برای امامت جمعه: یکی دیگر از اتفاقات مهم در این مقطع از زندگی ایشان، رحلت آیت‌الله طالقانی امام‌جمعه تهران و موضوع انتخاب امام جمعه برای پایتخت است. ابتدا آیت‌الله منتظری امامت جمعه را برعهده می‌گیرد اما پس از آنکه دوره کاری مجلس خبرگان تمام شد، ایشان از امامت جمعه تهران استعفا می‌کند و خودش فرد جانشین را معرفی می‌کند. آیت‌الله منتظری درباره این موضوع گفته است: «خدمت امام رفتم و عرض کردم که عازم قم هستم و رفت‌وآمد برایم مشکل است، شما فرد دیگری را که در تهران باشد برای امامت جمعه تهران تعیین کنید. ایشان گفتند: «من کسی را در نظر ندارم؛ شما خودتان مشخص کنید.» من آقای خامنه‌ای را به ایشان پیشنهاد کردم. امام فرمودند: «من در این موضوع دخالت نمی‌کنم.» مرحوم حاج سیداحمد خمینی اصرار می‌کرد که آقای گل‌زاده را معرفی کنم. ولی من گرچه آقای گل‌زاده فقوری را صالح و عالم می‌دانستم اما آقای خامنه‌ای را برای این مسئولیت مناسبتر می‌دانستم؛ و در نهایت در نامه‌ای استعفاي خود را تقدیم امام کردم.»

مبارز خستگی ناپذیر

مروری بر زندگی

آیت‌الله حسینعلی منتظری از تولد تا رحلت

فرهاد فخرآبادی

خبرنگار گروه سیاسی

بیست‌ونهمین روز از آذرماه ۱۳۸۸، شهر قم میزبان یکی از باشکوه‌ترین تشییع‌بیکرهای تاریخ خود بود؛ مردم از جای جای ایران مردی را روی دست‌ان خود بدرقه کردند که کارنامه زندگی‌اش را می‌توان «یک عمر مبارزه» تعریف کرد و حالا امروز ۱۴ سال از وداع با آیت‌الله حسینعلی منتظری می‌گذرد؛ فردی که کم‌لطفی است اگر نام او را تنها به‌عنوان یک مرجع تقلید یاد کنیم. او علاوه بر مرجع تقلید، یک عمر مبارزه سیاسی کرد؛ مبارزی که بدون شک مانند تمام سیاسیون فرازوفرودهای زیادی داشت. کدام مبارز سیاسی را می‌توان یافت که در دل تمام فرازوفرودهایش اشتباه نداشته باشد؟ اما آنچه درباره آیت‌الله منتظری می‌توان گفت، این است که او از جوانی تا کهنسالی مبارز بود و هیچ‌گاه در مسیر خود توقف ایجاد نکرد و نتوانستند او را متوقف کنند. پیش از انقلاب بارها زندان رفت و تبعید شد اما خستگی در مسیر مورد اعتقادش وجود نداشت و پس از انقلاب هم طعم انواع برخورد‌ها را چشید، حصر شد ولی آخرین سکنان زندگی‌اش باشکوه تمام همراه بود و روی دست مردم، به خانه ابدی رهسپار شد.